



بنیاد ایران‌شناسی

بسمه تعالی

شماره ۷/۴۰۸
تاریخ ۹۰/۲/۲۵
پست

جناب آقای عبدالله صفرزایی
بدین وسیله گواهی می‌شود مقالات تیز، چابهار، ایرانشهر،
سراوان و قصرقند که توسط جناب عالی نگارش یافته است.
مورد تأیید و در مرحله چاپ قرار گرفته است.

دکتر محمدرضا نصیری
مدیر طرح شهرهای ایرانشهر

نشانی: تهران، خیابان شیخ بهایی
خیابان ایران‌شناسی
صندوق پستی:

۱۴۶۶۵-۱۱۴۶

تلفن: ۸۸۰۶۶۱۴۶-۸

دورنگار: ۸۸۰۶۶۱۴۹

پست الکترونیکی:

lrfo@iranologyfo.com

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا

- عنوان و نام پدیدآور : شهرهای ایران شهر / پژوهش گروهی بنیاد ایران شناسی؛ مدیر طرح: محمدرضا نصیری؛ طرح، مقدمه، بررسی و تدوین نهایی حسن حبیبی.
- مشخصات نشر : تهران: بنیاد ایران شناسی، ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری : ج: مصور (رنگی)، نقشه، جدول؛ ۲۹*۲۲ س.م.
- شابک : دوره: ۲-۹78-964-8776-65؛ ج. ۱: ۱-978-964-8776-59؛ ج. ۲: ۲-978-964-8776-64؛ ج. ۳: ۳-978-964-8776-66
- وضعیت فهرست نویسی : فیفا
- یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۰) (فیفا).
- یادداشت : کتابنامه.
- مندرجات : ج. ۱. آبادان - ایواوغلی ج. ۲. باباحیدر - پیشین ج. ۳. تازهآباد - حویق
- موضوع : شهرها و شهرستانها - ایران
- موضوع : ایران - فرهنگ جغرافیایی
- شناسه افزوده : نصیری، محمدرضا، ۱۳۲۴ -
- شناسه افزوده : حبیبی، حسن، ۱۳۱۵ -
- شناسه افزوده : بنیاد ایران شناسی
- رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ۹۵ ش / DSR۶
- رده بندی دیویی : ۹۱۵/۵۰۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۷۴۳۶۵



عنوان کتاب:

شهرهای ایران شهر جلد سوم تازهآباد - حویق

پژوهش گروهی بنیاد ایران شناسی

مدیر طرح: محمدرضا نصیری

(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

طرح، مقدمه، بررسی و تدوین نهایی:

حسن حبیبی

ناشر: بنیاد ایران شناسی

تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی، خیابان ایران شناسی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰



مدیریت هنری:

حمیدرضا بختیاری فرد (عضو هیئت علمی دانشگاه هنر)

لیتوگرافی و چاپ: شرکت ایرانچاپ

صحافی: نگاه

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به بنیاد ایران شناسی است.

فہرست مدخل‌ها و نویسندگان

جلد سوم

ت - ح

- تازہ آباد: یعقوب محمدی فر
تازہ شہر: حسن مہربان
تازہ کندانگوت: اکرم رزمجو
تاکستان: حسن مہربان
تایباد: مصطفی طالشی
تبریز: رحیم رضازادہ ملک / شہناز سلطانزادہ
تربت جام: شہرام یوسفی فر
تربت حیدریہ: مصطفی طالشی
ترک: رحیم رضازادہ ملک / حسن مہربان
ترکمانچای: شہناز سلطانزادہ
تسوج: مہدی رحیم پور
تفت: زردشت ہوشور
تفرش: علی محمد طرفداری / دلارام عظیمزادہ
تکاب: حسن مہربان
تنکابن: حبیب اللہ مشایخی
تنگارم: مسیح موسوی زادگان
توتکابن: علی پور صفر قصابی نژاد
توحید: حسن مہربان
تودشک: مسیح موسوی زادگان
تورہ: فروغ روحانی شہرکی
تویسرکان: یوسف آرام
تہران: عبداللہ انوار
تیران: فروغ روحانی شہرکی
تیکمہ داش: شہناز سلطانزادہ
جاجرم: آزادہ پورشمس
جالق: عباس اویسی
جایزان: فرزانه پاکزاد
جبالبارز: فرخندہ حاجی زادہ
جعفرآباد: فرزانه پاکزاد
جعفریہ: نعمت اللہ کاوسی
- جغتای: آزادہ پورشمس
جلفا: رحیم رضازادہ ملک / نرگس صادقی زادہ
جم: یگانہ موسوی جہرمی
جناح: فرزانه پاکزاد
جنت شہر: بتول سلیمی
جندق: مریم شمس فلاورجانی
جنگل: آزادہ پورشمس
جوادآباد: احمد حاجی بابایی
جوآنرود: یعقوب محمدی فر
جوپار: محمد کاظمی / فرزانه پاکزاد
جورقان: فروغ روحانی شہرکی
جوشقان و کامو: نسرین نیک اندیش
جوکار: فرانک یعقوبی / فرزانه پاکزاد
جونقان: مرضیہ شفیعی
جویبار: رقیہ متانی
جویم: کرامت اللہ تقوی
جہرم: محمد حسن نیا
جیرفت: یگانہ موسوی جہرمی
جیرندہ: علی پور صفر قصابی نژاد
چابکسر: علی پور صفر قصابی نژاد
چابہار: عبداللہ صفرزایی ✓
چاپشلو: مصطفی طالشی
چادگان: فروغ روحانی شہرکی
چالانچولان: غلامرضا عزیز
چالوس: سید محمد تقی سجادی
چترود: فرخندہ حاجی زادہ
چرام: نرگس خاکی
چرمہین: فروغ روحانی شہرکی
چغادک: یگانہ موسوی جہرمی / فرزانه پاکزاد
چغلوندی: غلامرضا عزیز



(۵۱)

چابهار



■ **موقعیت شهر**

چابهار از شهرهای استان سیستان و بلوچستان در ۶۰ درجه و ۳۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه طول جغرافیایی و ۲۵ درجه و ۱۷ دقیقه و ۳۵ ثانیه عرض جغرافیایی در ارتفاع ۱۲ متری از سطح دریا، در منتهی الیه جنوب شرقی ایران و در کنار دریای عمان واقع شده است. در شمال چابهار شهرهای سرباز و نیکشهر قرار دارند و از جنوب آب‌های گرم و آزاد دریای عمان آنرا احاطه کرده است. از سمت مشرق به کشور پاکستان و از سمت مغرب به شهر کنارک منتهی می‌شود. فاصله این شهر تا مرکز استان (زاهدان) حدود ۷۰۰ کیلومتر است. و از زمان‌های قدیم لنگرگاه کشتی‌های تجاری بوده است. این شهر بندری از یک موقعیت استثنایی در خارج از تنگه هرمز در دهانه اقیانوس هند برخوردار است و در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی، ارتباطی، سیاسی و نظامی اهمیت شایانی برای کشور ما دارد. چابهار در سال ۱۳۲۹ به شهر تبدیل شده است.

■ **طبیعت**

آب و هوای شهر چابهار با توجه به موقعیت جغرافیایی آن تحت تأثیر جریان‌های جوی متعددی مانند سیستم موسمی شبه قاره هند، جبهه‌های استوایی و مرکز کم‌فشار و جبهه‌های غربی با منشأ مدیترانه‌ای قرار دارد. نزدیکی به مدار رأس‌السرطان و آب‌های گرم دریای عمان بر میزان گرما و خصوصاً شرحی بودن آب و هوای این منطقه تأثیر فراوانی می‌گذارد، به نوعی که میانگین حداکثر رطوبت نسبی این بندر در ماه‌های گرم سال

شهری معمولی و چندین مطب پزشکی عمومی و دو داروخانه و سه واحد آسیب‌شناسی و رادیولوژی دایر است و مردم در صورت نیاز به خدمات طبی تخصصی به بیمارستان‌های دولتی رامسر و رودسر مراجعه می‌کنند.

■ **ارتباطات**

شهر چابکسر فاقد خطوط هوایی و ریلی و دریایی است و تنها از طریق خطوط مواصلاتی زمینی با نقاط دیگر مرتبط است. این شهر در مسیر جاده اصلی کناره قرار دارد و از طریق همین جاده با گیلان و مازندران و سایر نقاط ایران پیوند دارد اهالی شهر از خطوط هوایی این دو استان بهره‌مند می‌شوند. چابکسر با یک جاده آسفالتی کوتاه به سرولات و نقاط مرتفع آن متصل است و با سه جاده فرعی دیگر به روستاهای بخش چابکسر می‌پیوندد. این شهر از امکانات مخابراتی و ماهواره‌ای برخوردار است.

■ **مراکز آیینی، مساجد، امامزاده‌ها و آثار تاریخی**

در داخل شهر هیچ مکان تاریخی به جز مزار نوسازی‌شده سیده جهان آجی و گورستان اطراف آن دیده نمی‌شود، اما در اطراف شهر و بخش چابکسر بعضی مکان‌ها و آثار تاریخی باقی مانده که اساس آنها به قرون اولیه اسلامی می‌رسد. مشهورترین این مکان‌ها بقعه سید ابو جعفر ثائیری حسنی معروف به سید ابو جعفر ابیض در روستای میانده است. درهای دولنگه بقعه در سال ۸۴۲ و صندوق چوبی آن در ۸۵۵ ق. ساخته شده‌اند. در گورستان اطراف بقعه بعضی سنگ قبرها باقی مانده که قدیم‌ترین آنها متعلق به سال ۱۰۴۵ ق. است.

چابکسر چندین مسجد دارد که مشهورترین آنها عبارت‌اند از: مسجد جامع و مسجد امام حسین و مسجد ابوالفضل.

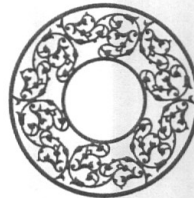
■ **دانشمندان، شاعران و نام‌آوران**

از این شهر دانشمند، ادیب و شاعر نام‌آوری برنخاسته است.

■ **منابع**

۱۲۰، ۱۲۷، ۲۴۶، ۲۴۷، ۳۵۷، ۳۸۲، ۵۲۰، ۵۲۴، ۵۵۲،

۵۷۹.



نزدیکی خلیج گواتر کشیده شده‌اند. این کوه‌ها منظره طبیعی بسیار جالبی را به وجود آورده که در هیچ جای دیگر ایران نمونه‌هایی از آن را نمی‌توان یافت. در کناره‌های دریای عمان به خصوص در قسمت جنوبی چابهار صخره‌های بزرگی در اثر پیشروی آب دریا و فرسایش سنگ‌های رسوبی به وجود آمده که چشم اندازی زیبا خلق کرده است. این بخش از سواحل به خصوص به هنگام غروب آفتاب یکی از زیباترین سواحل جنوبی ایران است. قسمت‌هایی از سواحل دریای عمان در محدوده شهر چابهار به منظور مکان‌های تفریحگاهی و استراحت‌گاهی نیز استفاده می‌شوند. در برخی نواحی ساحلی آن اقدامات حفاظتی نظیر نصب تور انجام شده و جهت انجام ورزش‌های آبی متنوع مانند شنا، قایقرانی، اسکی روی آب و غیره استفاده می‌شود.

درخت مقدس مکروزن یا انجیر معابد که در اصطلاح محلی به آن کرگ می‌گویند در نواحی جنوبی بلوچستان از جمله در نوار ساحلی چابهار مشاهده می‌شود. در برگ‌ها و ساقه‌های آن شیره سفید رنگی جریان دارد و از درختان تیره کائوچویی به‌شمار می‌آید. تاج این درخت بزرگ و پهن است و از انشعابات آن ریشه‌های نابجا می‌روید. پوست درخت صاف و خاکستری با برگ‌های بیضی شکل، ساده و درشت است. میوه آن نارنجی رنگ و به درشتی فندق و قابل خوردن است. عموماً این درختان دارای قدمتی بالای صد سال هستند و اکثر آن‌ها نزدیکی زیارتگاه‌ها قرار دارند یا قبلاً زیارتگاه بوده‌اند. در حال حاضر در روستاهای رمین، تیس کویان، ماشی، لیپار و کوپان سر از این درخت‌ها وجود دارد.

پوشش گیاهی شهر چابهار علی‌رغم بارندگی کم از تنوع خاصی برخوردار است. درختان و میوه‌هایی مانند کائوچو، موز، خربزه درختی (پایا‌پا)، انبه، انجیر هندی، کرک (استبرق)، چش، انجیر معابد، کلیر، حزا، نارگیل، کرچک و غیره در این منطقه به وفور مشاهده می‌شوند. گیاهان فراوان دیگری نیز در پیرامون این شهر دیده می‌شود که بسیاری از آنان مصارف دارویی دارند. گونه‌های جانوری متعددی اعم از بری و بحری پیرامون این بندر یافت می‌شود. بیش از ۲۰۰ نوع ماهی در سواحل بندر چابهار از دریای عمان صید می‌شود که معروف‌ترین‌شان عبارت‌اند از: حلوا سفید، قباد، هامور، دختر ناخدا، ماهی نیامه، سنگسر، سرخو، ساردین، اره ماهی، شوریده و میگو.

چابهار به علت قرار گرفتن در نوار ساحلی مکان‌های دیدنی و زیارتی زیادی دارد. سواحل چندگانه دریای عمان، اسکله‌های

۸۷/۶ درصد می‌رسد. البته وضعیت اقلیمی این بندر نسبت به سایر بنادر خلیج فارس و دریای عمان معتدل‌تر است. زیرا هم از گزند بادهای گرم و سوزان صحرای عربستان در امان است و هم بادهای موسمی اقیانوس هند در تابستان‌ها باعث تعدیل درجه حرارت در این شهر می‌شوند. حداکثر مطلق درجه حرارت چابهار از ۲۷/۶ درجه در دی‌ماه تا ۳۹/۱ درجه در خرداد و حداقل مطلق درجه حرارت آن از ۹/۹ درجه در دیماه تا ۲۵/۷ درجه در تیر ماه متغیر بوده است. در مجموع چابهار دارای تابستان‌های گرم و طولانی و زمستان‌های کوتاه و معتدل است. حداقل دما در این منطقه بالای صفر است و اختلاف درجه حرارت ماهیانه و حتی شب و روز در این منطقه کم است. بارندگی‌های بندر چابهار در تابستان تحت تأثیر بادهای موسمی انجام می‌گیرد و در زمستان جریان‌های مدیترانه‌ای موجب بارندگی در این شهر می‌شوند. میانگین بارندگی سالانه شهر چابهار بسیار متغیر است.

مهم‌ترین رودخانه‌هایی که در محدوده این شهر جریان دارند رودخانه‌های باهوکلالت و کاجو هستند. رودخانه باهوکلالت رودخانه‌ای سیلابی است که طول آن ۳۱۳ کیلومتر، مسیر جنوبی شرقی و میانگین آبدهی سالانه آن ۱۴۵ میلیون متر مکعب آب است. این رودخانه از به هم پیوستن رودخانه‌های سیلابی سرباز و کاجو به وجود می‌آید و پس از عبور از دشت‌های باهوکلالت و دشتیاری به خلیج گواتر در دریای عمان می‌ریزد. سد پیشین که از مهم‌ترین تأسیسات آبی در جنوب استان قلمداد می‌شود بر روی این رودخانه بسته شده است. این رودخانه زیستگاه تمساح پوزه کوتاه کروکدیل است که در اصطلاح محلی به آن "گاندو" می‌گویند. محل اصلی زندگی این جانور هندوستان، پاکستان غربی و محدوده‌هایی از مکران ایران است. برکه‌های رودخانه‌های سرباز و کاجو غربی‌ترین نقاط انتشار این تمساح‌ها در آسیاست.

محدود ارتفاعاتی که در محدوده شهر چابهار قرار دارند شامل کوه کروچ با ۱۲۰۵ متر ارتفاع، کوه گوزر با ۷۶۵ متر ارتفاع و کوه دیوانی با ۷۰۸ متر ارتفاع از سطح دریا هستند که دره‌ها و دشت‌های پهناوری در میان آنان قرار دارد تپه‌هایی نیز در شمال چابهار وجود دارد که به طور طبیعی دو منطقه را از هم جدا کرده و دروازه‌ای به نام جهنم به وجود آورده است. اهالی محل سمت جنوبی آن دروازه را که به سوی چابهار است بهشت و سمت شمالی آن را که به سوی نیک‌شهر است جهنم می‌نامند. کوه‌های مینیاتوری چابهار که از پدیده‌های ژئومورفولوژی منطقه است در امتداد ساحل از منطقه کچو تا

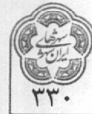


بندر تیس بوده است. پس از اکتشافات جغرافیایی گسترده استعمارگران اروپایی و ورود آنها به خلیج فارس و دریای عمان و گسترش بی‌رویه تجارت بین‌المللی و اهمیت یافتن سواحل دریای عمان، چابهار که از موقعیت مناسب‌تری برای توقف کشتی‌های بزرگ بهره‌مند بوده، اهمیت بیشتری می‌یابد و به تدریج افزایش جمعیت و زندگی شهرنشینی در آنجا شکل می‌گیرد. با استقرار حکومت قاجار در زمان آقامحمدخان سواحل جنوبی مکران از گواتر تا چابهار به مدت ۸۰ سال به حکومت مسقط اجاره داده می‌شود. بنا به اظهارات منابع محلی و مطالعات مهندسیین مشاور شهر و خانه اولین سکونتگاه در چابهار در حاشیه خلیج و در محلی که امروز به‌عنوان محله مسقطی‌ها معروف است شکل گرفته است. دیری نمی‌یابد که افرادی از مناطق همجوار در این محل سکونت می‌یابند و در بازار کوچکی که در هسته اولیه شهر شکل می‌گیرد به داد و ستد مشغول می‌گردند. درباره انزوای تیس و رونق چابهار دلایل واضحی ذکر نشده ولی از حدود زمانی آن می‌توان پی برد که احتمالاً با عواملی مانند تسلط مسقطی‌ها در این منطقه و همچنین جایگزین شدن انگلیسی‌ها به جای پرتغالی‌ها در دریای عمان و خلیج فارس ارتباط داشته است. در منابع دوره قاجاریه نخستین بار نام چابهار در سال ۱۲۹۸ ق. در کتابچه میرزا مهدی‌خان سرتیب قاینی آمده است. به نوشته او در سال ۱۲۸۹ ق. وکیل‌الملک حاکم کرمان آنجا را که در اجاره سلطان مسقط بود تسخیر کرد. پس از آن حکومت این ناحیه به یکی از خوانین محل به نام دین محمد جدگال سپرده می‌شود. شهر چابهار همانند سایر ممالک بلوچستان در سراسر دوره قاجاریه توسط حکام محلی اداره می‌شد و بسته به میزان قدرت و نفوذ حکومت مرکزی مالیات‌ها را به مرکز ارسال می‌کرد. در سال ۱۲۸۱ ق. در دوره ناصرالدین شاه انگلیسی‌ها خط تلگرافی از کراچی به گواتر کشیدند. در سال ۱۲۸۶ ق. ادامه این خط تلگراف از طریق بندر چابهار به بندر جاسک متصل شد و به منظور محافظت از آن یکی از دفاتر مهم تلگرافخانه انگلیسی‌ها در شهر چابهار ایجاد گردید. در سال ۱۸۹۳ م. ژنرال سایکس انگلیسی از این منطقه عبور کرده است. وی در زمان عبور از چابهار به‌عنوان قریه‌ای با چند خانه محقر و معدودی اشجار یاد کرده که تعدادی از تجار هند در آنجا مشغول داد و ستد بوده‌اند. از سفرنامه عبدالحمید میرزا که در سال ۱۳۰۴ ق. از این منطقه دیدن کرده چنین استنباط می‌شود که اهالی این منطقه سرسپردگی بیشتری به انگلیسی‌ها نسبت به قاجارها داشته‌اند. البته این گزارش یک مقام رسمی دوره قاجاریه است و بیشتر جنبه گلابه‌ای دارد.

صیادی و تجاری، کوه‌های مینیاتوری، تالاب لیپار، انجیر معابد، مقبره سید غلام رسول، قدمگاه خضر، منطقه آزاد تجاری چابهار از معروف‌ترین مکان‌های دیدنی، زیارتی و میراث فرهنگی چابهار به حساب می‌آیند.

تاریخ کهن شهر

وجه تسمیه: نام چابهار برای نخستین بار در منابع دوره قاجاریه و بعد از آن آمده است. امروزه در مکاتبات رسمی به این شهر چابهار می‌گویند. اهالی محل و بعضی از اسناد اولیه، این شهر را با عنوان "چه‌بار" یاد می‌کنند. درباره وجه تسمیه چابهار نظرات مختلفی وجود دارد. بعضی به علت اعتدال اقلیمی آن در هر چهار فصل سال گفته‌اند در ابتدا نام این شهر "چهاربهار" بوده و به تدریج مخفف آن به چابهار تبدیل شده است. عده‌ای رد پای از بودا در این منطقه جست‌وجو می‌کنند. به گفته آنان معبدی بودایی در این منطقه بوده و از آنجایی که به معابد بودایی "ویهار" می‌گفته‌اند، لذا به خاطر چهار دیوار معبد به آن "چهارویهار" گفته شده که به مرور به چابهار تبدیل شده است. آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد اینکه نام اولیه و محلی این شهر "چه بار" بوده است. "چه بار" مرکب از دو واژه "چه" و "بار" است. "چه" مخفف چاه است که در منطقه مذکور در زمان‌های گذشته زیاد بوده ولی برای "بار" معانی متفاوتی می‌توان قائل شد. در زبان فارسی به طور معمول بار می‌تواند به معنی ساحل به کار رود در این صورت می‌توان وجه تسمیه این شهر را به معنی چاه‌های ساحلی به کار برد. در میان اهالی محل بار معانی دیگری نیز دارد و به معنی سرسبزی و خرمی، اموال بازرگانی و انباشته‌شدن یا پرشدن از آبرفت و خاک به کار می‌رود. در این صورت می‌توان گفت "چه بار" به معنی چاه‌هایی که باعث خرمی و سرسبزی می‌شوند. در معنی دوم چاه‌هایی که محل بیثوته و بارانداز کاروان‌های تجاری بوده است. اگر معنی سوم را در نظر بگیریم چاه‌های انباشته‌شده از خاک معنی می‌دهد. درباره شهر چابهار و چگونگی پیدایش آن از متون کهن اطلاع دقیقی به دست نمی‌آید. آنچه در اسناد گذشته راجع به خلیج چابهار و زندگی شهرنشینی در آن سخن رفته از بندر تیس و قلعه معروف آن یاد شده که امروز به صورت یک آبادی کوچکی در حدود نه کیلومتری شمال غرب چابهار از روستاهای آن محسوب می‌شود. جغرافی‌نویسان اسلامی قرون دوم و سوم هجری و بعد از آن از بندر تیس به‌عنوان مهم‌ترین بندر ارتباطی و تجاری در دریای عمان یاد کرده‌اند. پیشینه وجود چنین بندرگاهی را می‌توان در دوران باستانی ایران و حتی دوره هخامنشیان جست‌وجو کرد. تا اواخر دوره صفویه ناحیه معروف و حاکم‌نشین خلیج چابهار



■ مسائل مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵ جمعیت شهر چابهار به شرح زیر بوده است:

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت به نفر	۲۰۵۵۴	۳۴۶۱۸	۷۳۰۹۸

بیشتر مردم چابهار به زبان بلوچی و لهجهٔ مکرانی صحبت می‌کنند. بعضی از طوایف خصوصاً جدگال‌ها با لهجه مخصوص به خودشان تکلم می‌کنند که برای بلوچ‌ها قابل فهم نیست. با ورود مهاجران در سال‌های اخیر گویش‌های دیگری نیز مانند سیستانی و غیره در این شهر رواج دارد. زبان فارسی علاوه بر آنکه زبان رسمی کشور است و در ادارات و مدارس مرسوم است، زبان ارتباطی بومیان چابهار با مهاجرین و مسافرین چابهار نیز است.

بیشتر مردم چابهار بلوچ‌اند و زندگی ایلی و طایفه‌ای رکن اصلی حیات اجتماعی آنان محسوب می‌شود، پیرو مذهب تسنن و عده‌ای نیز شیعه اثنی عشری‌اند.

در زمان‌های گذشته (خصوصاً دورهٔ قاجاریه و پهلوی) بسیاری از ساکنان چابهار به نقاط و بلاد دیگر مهاجرت می‌کردند. خشکسالی‌های مکرر و افزایش مالیات‌های خودسرانه حاکمان کرمان و بلوچستان در دورهٔ قاجاریه منجر به مهاجرت‌های گسترده‌ای از این ناحیه به عمان، زنگبار، کراچی، سند، نواحی پیرامون خلیج فارس و دیگر ممالک همجوار شده بود. در سال‌های اخیر بر عکس، روند مهاجرت‌پذیری این شهر به شدت افزایش یافته است. نظر به اینکه اهمیت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی شهر چابهار مورد توجه دولت مرکزی ایران خصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قرار گرفت، ایجاد اسکله، بندر آزاد و همچنین طرح‌های بزرگی مانند صنایع شیلات، کشتی‌سازی، لنج‌سازی و غیره باعث جذب نیروی انسانی گسترده‌ای در بندر چابهار شده است. علاوه بر روستاییان چابهار و ساکنان دیگر شهرهای استان سیستان و بلوچستان، از سایر استان‌های کشور خصوصاً تهران، اصفهان و خراسان نیز جمعیت‌های قابل ملاحظه‌ای به این شهر وارد شده‌اند به نحوی که آمار واردشدگان به چابهار در سال ۱۳۶۵ در حدود ۱۰۱۲۶ نفر و در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۷۴۰۲ نفر بوده‌اند. با توجه به مهاجرت‌پذیری چابهار و رشد امکانات بهداشتی و درمانی، جمعیت چابهار در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است.

مردم چابهار زندگی ایلی و قبیله‌ای دارند. بعضی از طوایف

جنگ‌های متعددی که اهالی این منطقه به رهبری خلیفه خیر محمد بر علیه انگلیسی‌ها انجام دادند و مزاحمت‌های جدی برای خطوط تلگراف انگلیس ایجاد کردند نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که مردم این منطقه هیچ گاه در برابر بیگانگان سر تسلیم خم نکرده‌اند. در سال ۱۳۲۰ مردم چابهار بیشتر از طریق صید ماهی و قایقرانی زندگی می‌کردند. ساختمان‌های سنگی و آجری چابهار معدود بوده و آب شرب اهالی از چاه‌هایی تأمین می‌شده که در شن حفر نموده بودند. آب این چاه‌ها در تابستان شور می‌شده. کشتی‌ها در دو کیلومتری بندر لنگر می‌انداختند و با قایق کالاهای خود را به ساحل می‌رساندند. از سال ۱۳۰۷ با دستگیری دوست محمدخان بلوچ، چابهار نیز به طور مستقیم زیر سیطرهٔ حکومت مرکزی قرار گرفت. در تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ چابهار به مرکزیت قصر قند یکی از شهرستان‌های تابع استان مکران شد اما با تشکیل استان هشتم در مرداد همان سال چابهار به‌عنوان بخش تابع شهرستان خاش گردید. در سال ۱۳۲۶ حوزه بلوچستان به مرکزیت زاهدان تشکیل شد و چابهار به فرمانداری تبدیل گردید. در سال ۱۳۶۹ نیکشهر که بخشی از چابهار بود به شهرستان تبدیل شد و بخش قصر قند نیز از چابهار جدا شده به نیکشهر پیوست. در سال ۱۳۸۴ بخش کنارک شهرستان شد و از چابهار مستقل گردید.

بلايا و حوادث طبیعی مانند زلزله، سيل و بیماری‌های مهلك از قبيل وبا، سرخک، مالاریا و غیره تهدیدی جدی برای حیات انسانی در این شهر به شمار می‌رفته‌اند. در ۲۸ نوامبر سال ۱۹۴۵ م. کرانه‌های دریای عمان از پاکستان تا بندر چابهار در اثر یکی از بزرگ‌ترین زمین‌لرزه‌های سدهٔ بیستم به لرزه درآمد و باعث خراب‌شدن خانه‌ها و کشته‌شدن افرادی شد. البته سالم ماندن بناها و قلعه‌های قدیمی چابهار دلالت بر این دارد که شدت این زمین‌لرزه در نواحی غربی کمتر بوده و بیشتر در نواحی شرقی چابهار موجب خسارت و ویرانی شده است. زمین‌لرزهٔ دیگری نیز در سال ۱۳۲۴ در کناره‌های سواحل عمان از جمله چابهار خساراتی به بار آورده است. در تابستان‌ها به سبب ریزش باران‌های تند و شلاقی همراه با بادهای موسمی سیلاب‌های بزرگی جریان می‌یابد و خسارت‌های شدیدی به مزارع، باغ‌ها و دام‌های این ناحیه وارد می‌آورد. از سیلاب‌های شدید این منطقه که بر اثر طوفان "گنو" در بهار ۱۳۸۶ رخ داد و موجب خسارت‌های شدیدی در منطقه گردید. بیماری‌هایی مانند وبا، سرخک و مالاریا که در گذشته باعث به هلاکت رسیدن افراد می‌شده امروزه خوشبختانه به همت مأموران بهداشتی و درمانی مهار شده‌اند.



چابهار

که بومیان اولیه این منطقه بوده‌اند یا آن دسته از بلوچ‌هایی که از نواحی همجوار به این ناحیه کوچ کرده‌اند جزو طوایف اصیل به شمار می‌آیند. طوایف بسیار زیادی که در گذشته از سایر بلاد مانند آفریقا و هندوستان به این منطقه آمده‌اند اگرچه امروزه جزو بومیان محسوب می‌شوند و خلق و خوی بلوچی به خود گرفته‌اند ولی از طوایف پست و پایین جامعه چابهار به حساب می‌آیند. با لغو قانون بردگی جهانی در سده‌های اخیر اینان ظاهراً از تملک ارباب هایشان بیرون شدند اما متأسفانه تا همین اواخر کارهای خدماتی طوایف بزرگ را انجام می‌دادند. البته در حال حاضر نیز نشانه‌هایی از امتیازات قومی در چابهار مشاهده می‌شود و این مسئله کاملاً حل شده تلقی نمی‌شود. اطاعت از بزرگان طوایف و مولوی‌ها در میان اهالی چابهار به وضوح مشاهده می‌شود و در بیشتر موارد اختلافات و نزاع‌های مهم توسط این گروه‌ها به صلح و سازش تبدیل می‌شود.

در زمینه اخلاق و عادات میار (شرف) که نزد بلوچ‌های چابهار اهمیت بسزایی دارد در زندگی روزمره‌شان کاربرد زیادی دارد. آنها در مواردی مانند: پذیرایی از مهمان، امانتداری و درستکاری، پناه دادن به افراد تحت شرایط گوناگون، پرهیز از کشتن زنان و کودکان نابالغ، پرهیز از کشتن افراد طبقات پایین جامعه مانند کولی‌ها و غیر مسلمانان، پرهیز از کشتن پناهنده شدگان به زیارتگاه‌ها و بست‌نشینان، آمرزیدن دشمن، اگر زنی از طرف آنان برای طلب آمرزش آید، روی آوردن به صلح و آشتی، اگر کسی قرآن بر سر نهاده میانجی شود و موارد فراوان دیگری از این قبیل تحت عنوان میار یا شرف بلوچی خودشان به شدت پایبندی نشان می‌دهند. تعاون و همکاری که در اصطلاح محلی به آن بچار می‌گویند از خصایص مهم زندگی اجتماعی مردم این منطقه است. آنان در مواردی مانند ساختن خانه، مراسم ازدواج، مرگ و میر، ساخت و ایجاد بناهای عمومی از قبیل مسجد، مدرسه، حفر چاه، ساختن پل و غیره بدون دستمزد و چشم‌داشت خاصی به یکدیگر کمک و همکاری می‌کنند. رسم بچار یا کمک همگانی معمولاً در مراسم ازدواج و پرسان (عزاداری) نمود بیشتری دارد. در شب اصلی مراسم عروسی که همه به همه به صرف شام دعوت می‌شوند چندین نفر قبل از صرف شام شروع به جمع‌آوری کمک‌های نقدی، غیر نقدی می‌نمایند و آنها را به تفکیک در دفتری ثبت می‌کنند. آنها هرگاه به مراسم عروسی دعوت شوند معمولاً لیست جمع‌آوری بچار خودشان را می‌گشایند تا نشان دهند میزان کمکی که به آنها از جانب دعوت‌کنندگان شده چقدر است. بدین ترتیب مبلغی در همان حدود به صاحب مراسم عروسی تحت

عنوان بچار کمک می‌نمایند. البته افراد ثروتمند و کسانی که پایگاه اجتماعی بالایی دارند بدون در نظر گرفتن کمک‌های طرف مقابل در مراسم گذشته معمولاً در همه مراسم‌ها کمکی درخور و شایسته مقام و منزلتشان می‌نمایند. در مراسم مرگ و میر کمک و بچار تحت قاعده خاصی نبوده و کسانی که برای عرض تسلیت می‌آیند معمولاً ناهار یا شامی صرف می‌کنند و کمک‌های نقدی یا غیر نقدی‌شان را به صاحبان مراسم عزاداری تقدیم می‌کنند. البته در سال‌های اخیر با زندگی شهرنشینی مدرن این مسئله بسیار کم‌رنگ شده است. از طرفی نیز عالمان مذهبی این مراسم را بدعت می‌شمارند و به شدت با آن مبارزه می‌کنند که به صورتی محسوس و قابل مشاهده باعث شده‌اند مراسم عروسی و عزاداری هم ساده برگزار شود و هم بسیاری از موارد جانبی آن کنار گذاشته شود. سوگند خوردن در میان مردم چابهار چندان معمول نیست. اینان بیشتر به نام الله و یا کلام الله سوگند می‌خورند و از سوگند خوردن به نام ائمه و پیامبران پرهیز می‌کنند. یک نمونه از سوگندهای مرسوم این منطقه سوگند زن طلاق است. در مجموع اینان به سوگندی که می‌خورند سخت پایبند هستند. معمولاً از شرکت در مجالسی که در آن برنامه سوگند خوردن باشد امتناع می‌ورزند. زیرا معتقدند که گرفت سوگند بسیار شدید است و در این گونه مجالس دامن‌گیر افراد بی‌گناه می‌شود. امانتداری، وفای به عهد، مهمان‌نوازی و اعتقاد به جبرگرایی از مشخصه‌های بارز زندگی اجتماعی آنان به شمار می‌رود. بعضی از افراد خصوصاً سالمندان با وسایلی مانند استخوان کتف گوسفند، برگ درختان داز و غیره به پیشگویی درباره آینده و مسائلی مانند جنگ، باران، مرگ و میر و غیره می‌پردازند. در بعضی موارد گناهکاران با آب و خصوصاً آتش آزمایش می‌شوند که رسمی بسیار کهن و ریشه در آیین‌های باستانی ایران دارد. اعتقاد به جن و دیو در میان اهالی چابهار زیاد است. بیماری‌هایی مانند جنون، دیوانگی و اعصاب و روان را جن‌زدگی تلقی می‌کنند و با تعویذ و نذورات و غیره سعی در رفع این گونه امراض دارند. روزهای زوج در نزد اینان میمون و مبارک است. مراسم عروسی در روزهای زوج و معمولاً در چهاردهم و بیستم ماه صورت می‌گیرد. روز سه شنبه از روزهای نحس تلقی می‌شود. بسیاری بر این باورند چنانکه کسی به هنگام مراجعت از مراسم تشییع جنازه و تغسیل و تدفین به خانه‌ای وارد شود که در آن خانه طفلی باشد موجب مرگ آن طفل می‌شود. به چشم زخم عقیده دارند و برای حفاظت از آن نه تنها تدابیری برای حفظ خود و بچه‌هایشان به کار می‌برند بلکه در فکر حفظ حیواناتشان



نیز هستند. بدین منظور از ملاحای محل تعویذ چشم‌زخم یا نظربند می‌گیرند و به بازوی خود و اطفال و به گردن دام‌های خود می‌بندند. اعیاد ملی در میان این مردم چندان جایگاهی ندارد و هرگز به پای اعیاد مذهبی نمی‌رسد. باشکوه‌ترین مراسم مذهبی‌شان نمازهای تراویح ماه رمضان، عید فطر و عید قربان هستند. عید فطر و عید قربان را به مدت سه روز جشن می‌گیرند. لباس‌های نو می‌پوشند و به دیدن دوستان و آشنایان خود می‌روند. از یکدیگر حلالی می‌خواهند، کینه‌ها و کدورت‌ها را کنار می‌گذارند و در بسیاری اوقات اتفاق می‌افتد که در این اعیاد جنگ‌های بزرگ و دیرینه منجر به صلح می‌شود.

مراسم تولد از نخستین شب تولد با ترانه‌های "سپت" و "وَرَبْت" به صورت مناجات شروع می‌شود. تولد پسران شادی بیشتری به همراه دارد. برنامه‌های مراسم تولد به مدت شش شبانه‌روز به طول می‌انجامد که به آن شپتاکمی می‌گویند. پس از آن در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفته می‌شود و نامی برای او انتخاب می‌کنند. پدر خانواده در نامگذاری نقش بیشتری دارد و برای نوزاد اول اگر دختری باشد اسم مادر را و اگر پسر می‌باشد اسم پدر را می‌گذارد. اسامی روزهای هفته مانند جمعه، شنبه، چهارشنبه و اسامی درختان مانند کهور و غیره برای پسران انتخاب می‌شود. نام‌های دو پاره‌ای مانند صدگنج، زرگنج، خان‌بی‌بی و همانند اینها برای دختران گذاشته می‌شود. ختنه کردن پسران که به آن سُنْت کردن می‌گویند به همراه دُهل و ساز با مراسم مفصلی برگزار می‌شود و بیشتر در سنین پنج الی شش سالگی انجام می‌گیرد.

ازدواج‌ها و وصلت‌ها بیشتر درون طایفه‌ای است. با توجه به بافت اجتماعی و قومی معمولاً ازدواج‌های برون‌طایفه‌ای در بین طوایفی انجام می‌گیرد که از لحاظ موقعیت اجتماعی در یک سطح قرار داشته باشند. ازدواج بین گروه‌های ممتاز اجتماعی و طبقات پایین جامعه که در گذشته به صورت بردگانی از هند و آفریقا به این منطقه آمده‌اند و امروزه از ساکنان چابهار محسوب می‌شوند به‌طور تقریبی ممنوع است. در ازدواج‌ها حق انتخاب دختر و پسر محدودیت‌هایی دارد. رضایت والدین و در بعضی موارد خصوصاً در گذشته رضایت بزرگ طایفه و خاندان باعث می‌شد که زوج‌های جوان از تصمیم‌گیری کاملاً آزاد راجع به همسر آینده‌شان برخوردار نباشند. مهریه دختران با توجه به موقعیت اجتماعی و قومی آنان تعیین می‌شود و در ازدواج‌های برون‌طایفه‌ای میزان آن به شدت بالاست. ازدواج‌ها در سنین پایینی انجام می‌شود و دورانی برای نامزدی نیز در نظر گرفته می‌شود. البته در دوره نامزدی دختر و پسر نمی‌توانند با

یکدیگر آزادانه رفت و آمد داشته باشند. جهیزیه بیشتر بر عهده خانواده داماد است. مراسم عروسی با تشریفات و شادی‌های مفصلی برگزار می‌شود و در سابق حتی چندین شبانه‌روز به طول می‌انجامید. در مراسم حنابندان کسانی که آنجا حضور دارند پول‌های زیادی بر سر داماد و عروس می‌ریزند. در این گونه موارد اغلب پول‌ها را به کسی می‌دهند که به دست داماد و عروس حنا می‌بندد. یکی از رسوم جالب مردم چابهار راجع به ازدواج این است که از روز تولد پسر در خانواده بانوان آن خانواده شامل خواهر، مادر، عمه و خاله او برای همسر آینده‌اش لباس تهیه می‌کنند. اینان لباس‌های تهیه شده را در مراسم عروسی به عروس تقدیم می‌کنند. در بسیاری از موارد لباس‌هایی که اطرافیان داماد به عروس تقدیم می‌کنند به ۱۵۰ دست لباس می‌رسد. زوج‌های جوان به همراه پدر و مادر هستند و چه بسا سال‌ها طول می‌کشد تا بتوانند زندگی مستقلی برایشان تشکیل دهند. اگرچه طلاق دادن در میان اهالی چابهار امری راحت تلقی می‌شود ولی آمار طلاق بسیار پایین است. مراسم تعزیت را در چابهار "پُرسان" می‌گویند. در این گونه مراسم معمولاً با لباس‌های عادی حاضر می‌شوند. مردان لباس معمولی‌شان را که اغلب به رنگ‌های سفید و روشن است می‌پوشند و زنان البته لباس‌های فاخر خودشان را کنار نهاده و با لباس‌های ساده یا سیاه در این مراسم شرکت می‌کنند. برای میت معمولاً مراسم شب اول، روز سوم، چهارده، چهل و سال می‌گیرند. علی‌رغم مخالفت عالمان مذهبی با این شیوه‌های عزاداری، باز هم این مراسم البته نه با شدت گذشته انجام می‌گیرد. سنگ قبر نه تنها در چابهار مرسوم نیست و در قبرستان‌ها به جز پشته‌ای خاک بناهای دیگری مشاهده نمی‌شود.

اکثر خانه‌های قدیمی شهر دارای تعدادی اتاق با دیوارهای مشبک چوبی و آجری است. با توجه به گرمای منطقه با این شیوه ساخت و ساز به‌طور طبیعی از وزش بادهای خنک نگه داشتن خانه‌ها استفاده می‌کرده‌اند. در مناطق روستایی و حاشیه‌ای شهر، خانه‌ها با استفاده از مصالح بومی از ساقه و شاخ و برگ درختان به روش‌های سنتی ویژه خود ساخته می‌شوند. در بعضی قسمت‌ها که سنگ به فراوانی یافت می‌شود خانه‌های سنگی می‌سازند و سقف آنها را با تیرهای نخل و سایر گیاهان می‌پوشانند. پوشاک ساکنان چابهار همانند سایر بلوچ‌ها دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. پوشاک زنان شامل پیراهن، شلوار، سربند و چادر است. سوزن‌دوزی‌ها و گلدوزی‌های بسیار زیبا و ظریفی بر روی پیراهن و دمپای شلوار صورت می‌گیرد که زیبایی خاصی به لباس‌های آنان می‌دهد. زنان زینت‌آلاتی



مانند گوشواره، قید، کید، گیکو، چلا، سنگه، پادیک و پلوه استفاده می‌کنند. پلوه به شکل بیضی از طلا و فیروزه ساخته می‌شود که زنان آن را در وسط بینی خود نصب می‌کنند. بعضی از زنان چابهاری خصوصاً آنانی که از خانواده مذهبی هستند در بیرون از منازلشان با لباس‌های ساده ظاهر می‌شوند و علاوه بر آن از روبند استفاده می‌کنند که صورتشان را می‌پوشاند. پوشاک مردان لباس بلوچی مرسوم در منطقه است که شامل پیراهن و شلوار گشاد به اضافه دستاری سبک است که بیشتر افراد مسن بر سر می‌بندند. علاوه بر این‌ها مردان معمولاً شالی به همراه خود دارند که بر شانه آنان آویزان است و از آن استفاده‌های فراوانی می‌برند. در مواقع سرما و گرد و غبار سر و صورت خود را با آن می‌پوشانند. در بیابان‌ها و مسافرت‌ها هم بر روی آن نماز می‌خوانند و هم به‌عنوان حوله از آن استفاده می‌کنند. در مجالس معمولاً دو سر آن را گره زده و به صورت حلقه‌ای آن را بر دور کمر و دو زانوی خود می‌اندازند و ساعت‌ها به راحتی می‌توانند بنشینند. این گونه استفاده از شال را تحت عنوان صندلی بلوچی یاد می‌کنند.

خوراک‌هایی که در این منطقه بیشتر استعمال می‌شود برنج، ماهی و آبگوشت است. از آنجایی که در غذاها فلفل قرمز، دارچین و زرد چوبه می‌ریزند بیشتر به غذاهای هندی شباهت دارد. دیگر خوراک‌ها عبارت‌اند از: شودوده که از نوعی خرما با کنجد، بادام و پونه درست می‌شود. بت که مخلوطی از برنج، ماش و سایر حبوبات به همراه روغن و ادویه درست می‌شود. غذاهای محلی دیگری نیز مانند بتوهواری، ماشینگ، پاکگین ماهیک، گلوهک، ناروش، کی و دلگ در این منطقه مصرف می‌شود. در گویش چابهار به نان ننگن می‌گویند و شامل نان‌های تینی، تین موش، تینی روغنی، دک، سی سرک، ست پوری، رتی، نان تنوری، حمیری، جویه نان، تاپگی، پناریک، پورانی، نان ذرت، شلو، رحتو، تیمو و بکد است.

ادبیات عامیانه: ادبیات عامیانه مردم چابهار از غنای بسیاری برخوردار است. ترانه‌های محلی، موسیقی و رقص و سازهای زیادی در بین اهالی مشاهده می‌شود. از جمله ترانه‌های رایج در شهر چابهار به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: سِپت، وژبت و شپتاک می‌شود. این سه ترانه را بدون ساز و فقط با دهل و دایره می‌خوانند و مضامین این ترانه‌ها مدح و ستایش خدا، رسول خدا و بزرگان دین است که به منظور سلامتی نوزاد و زانو خوانده می‌شوند. لیلو؛ همان لالایی است که آهنگی کشیده و ملایم دارد و مضمون آن برای دختر و

پسر متفاوت است. سوت (صوت) آهنگ‌های شادی با آواز شامل مسائل عاشقانه و زیبایی‌های طبیعت است. نارینک؛ به ترانه‌هایی اطلاق می‌شود که در شب اول مراسم عروسی خوانده می‌شوند. لادو، لاضو و هالو در آخرین روز مراسم عروسی و هنگامی خوانده می‌شوند که داماد را به حمام می‌برند. شتر؛ آوازی است که متن آن را داستان‌های حماسی، عشقی، وقایع تاریخی، رویدادهای اجتماعی، پند و اندرز و غیره تشکیل می‌دهد. زهیرک؛ غریبی‌ها، هجران‌ها و غم‌ها را بیان می‌کند، هم با ساز و هم با آواز و گاهی هم توأمان خوانده می‌شود. موئک؛ از گونه‌های ادبیات منظوم بلوچی است که به مجالس ترحیم اختصاص دارد. معادل مویه فارسی و مرثیه عربی است و اغلب توسط گروهی از زنان در مراسم ترحیم خوانده می‌شود. امبا؛ ویژه ماهیگیران است و به شکل گروهی خوانده می‌شود و متن آن در بر دارنده مراحل مختلف صید است. گوات؛ به معنی باد یا هوا به بیماری گفته می‌شود که به اعتقاد ساکنان محل، باد در بدن بیمار حلول کرده و تعادل روحی و جسمی او را بر هم می‌زند و تنها موسیقی قادر است ارواح پلید را از بدن بیمار دفع نماید. گوات بیشتر در زنان بروز می‌کند و دمال به شکل مشابه آن در مردان مشاهده می‌شود. در گوات و دمال از کلیه سازهای بلوچی مانند سرود، تمبورک و دهلک استفاده می‌شود. مالد؛ که به آن پیر پتر نیز می‌گویند از مراسم صوفیانه است که تنها از دف در آن استفاده می‌شود. سازهای معروفی از قبیل: سرود یا قیچک، رباب، تمبورک، سورنا، لیوا (دهل بزرگ)، تیمبوک (دهل کوچک)، دهل رحمانی، نل، سما و بینجو در چابهار معمول و مرسوم است.

■ اقتصاد و مشاغل

اهالی چابهار بیشتر به کشاورزی، باغداری، پرورش دام، ماهیگیری، قایقرانی، لنج‌سازی، کارهای خدماتی و تجارت و بازرگانی اشتغال دارند. تعداد صنایع موجود شهر چابهار ۷۶ واحد است. واحدهای تولیدی صنعتی زیادی شامل کارخانه تولید کنسرو، نگهداری و انجماد ماهی، عمل‌آوری و بسته‌بندی ماهی، عمل‌آوری و بسته‌بندی میگو در این شهر فعال هستند که زمینه اشتغال‌زایی خوبی هستند. در سال ۱۳۸۲ تعداد دو کارگاه فعال مسئولیت استخراج معادن را به عهده داشته که عمده‌ترین معادن موجود در اطراف چابهار سنگ لاشه ساختمانی است. بزرگ‌ترین و اولین شرکت تولید آب‌های درمانی و انرژی‌زا در سطح آسیا در چابهار در حال احداث است که به زودی مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. مردم چابهار به نسبت وسعت ناحیه و زیستگاه خود، آب و هوا و شرایط



محیط، صنایع دستی گوناگون خلق می‌کنند. حصیربافی یکی از صنایع پر دامنه مردم این شهر است که مردان و زنان به آن اشتغال دارند. صنایع حصیربافی هم شامل صنایعی است که در بازارهای غیر عشایری و روستایی مبادله می‌گردد مانند زیرانداز، سبد، کلاه و غیره و هم شامل تولیداتی از قبیل گلدان، سبد خمراهی، کیف حصیری کوچک و بزرگ، بادبزن و غیره است که در زندگی عشایر و روستائیان مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین در این منطقه انواع حلزون‌های دریایی ساخته می‌شود که در موارد مختلف جنبه تزئینی به خود می‌گیرند. به عنوان مثال سنجاق‌های سینه یا دستبندهای زینتی برای بانوان و نوارهای مختلف برای حاشیه رختخواب‌ها و یا رشته‌هایی برای تزئین حجازها (شترها) ساخته می‌شود. سوزن‌دوزی بر پیراهن زنان و دیگر لوازم تزئینی خانه نیز در شهر چابهار رایج است. از بافت‌های سکه‌دوزی شده برای پوشاندن و زینت رختخواب در اتاق‌ها و جهت زینت و آراستن گردن شترها در هنگام عروسی استفاده می‌شود. عشایر چابهار علاوه بر اینکه سیاه چادر یا پلاس محل زندگیشان را خودشان تهیه می‌کنند گاهی نیز به منظور فروش به تهیه این گونه صنایع دستی مبادرت می‌ورزند.

زراعت این شهر به دو صورت دیم و آبی انجام می‌گیرد. دیم‌کاری در فصل پاییز و زمان کشت آبی از مهر ماه تا اوایل بهار است. از محصولات کشاورزی شهر چابهار می‌توان به گندم، جو، برنج، باقلا، ماش، ذرت، عدس، ارزن و پنبه اشاره نمود. صیفی‌جاتی مانند هندوانه، گوجه، خیار و میوه‌هایی مانند خرما (نمونه مضافتی آن جنبه صادراتی دارد)، انبه، پاپایا، موز، نارگیل، چیکو، لیمو ترش، بادام، مو و انجیر معابد در چابهار به عمل می‌آید.

اوضاع اقتصادی این بندر در سال‌های اخیر رشد بسیار چشمگیری داشته است. اسکله‌های شهید بهشتی و شهید کلانتری در فاصله سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۲ با ظرفیت تخلیه و بارگیری ۱۵ الی ۲۰ هزار تن ساخته شده‌اند. اسکله‌های صیادی فعالی در این شهر وجود دارد که اسکله صیادی تیس، رمین و بریس مشهورترین آنها هستند. منطقه آزاد تجاری چابهار با مساحت ۱۴ هزار هکتار و با امکان دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد در خارج از خلیج فارس و تنگه چال برانگیز هرمز قرار دارد. شرایط جغرافیایی مناسب و عدم آسیب‌پذیری در مواقع بحران موقعیت استراتژیکی خاصی را به منظور ایجاد یک گذرگاه ارتباطی بین کشورهای آسیای میانه با آب‌های آزاد و سایر کشورهای جهان فراهم آورده است.

مهم‌ترین کالاهایی که در سال ۱۳۸۴ از این بندر به کشورمان وارد شده عبارت‌اند از: حیوانات زنده، محصولات نباتی، صنایع غذایی، محصولات معدنی، صنایع شیمیایی، مواد پلاستیکی، پوست، چرم، چوب، خمیر چوب، مواد نساجی، کفش، مروارید طبیعی، فلزات طبیعی، ماشین آلات، وسایل نقلیه زمینی، اسلحه، مهمات، اشیای هندی و غیره.

■ تعلیم و تربیت و فرهنگ

در چابهار کلیه مقاطع تحصیلی از ابتدایی تا پیش‌دانشگاهی دایر است.

دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار و دانشگاه پیام نور چابهار مهم‌ترین مراکز آموزش عالی این شهر هستند.

حوزه علمیه "مدرسه عربیه اسلامیة" چابهار که در سال ۱۳۴۹ توسط مولوی عبدالرحمن ملازهی تأسیس شد از حوزه‌های علمیه مطرح استان به حساب می‌آید. این مدرسه به صورت شبانه‌روزی اداره می‌شود و طلاب علوم دینی اعم از خواهران و برادران در رشته‌هایی مانند: تفسیر، اصول تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، بلاغت، فلسفه، منطق، عقاید، تاریخ، سیرت، ادبیات، صرف و نحو، و روخوانی قرآن، حفظ و قرائت و تجوید قرآن در این حوزه و شعبه‌های آن به فراگیری علوم می‌پردازند. این حوزه علاوه بر فعالیت‌های آموزشی و درسی در زمینه نشر کتاب و نشریات نیز فعال است و ده‌ها کتاب از انتشارات این حوزه تا کنون چاپ و نشر گردیده است. مدرسین و طلاب این مدرسه در زمینه‌های فرهنگی، دینی و علمی نیز کمک‌های شایانی به اهالی چابهار و مناطق تابعه آن داشته‌اند. علاوه بر کتابخانه‌های مراکز آموزش عالی و کتابخانه معروف حوزه علمیه چابهار، کتابخانه عمومی شماره یک و دو و کتابخانه مجتمعی فرهنگی و هنری با حدود ۲۰۰۰۰ نسخه کتاب به علاقه‌مندان علم و تحقیق و ادب خدمت‌رسانی می‌کنند.

■ بهداشت و درمان

امکانات پزشکی چابهار در حد مطلوب نیست. چابهار دارای بیمارستان با پزشکان متخصص و عمومی، مرکز بهداشت و درمان، داروخانه‌های خصوصی و اورژانس خدمات درمانی و پزشکی را ارائه می‌دهد. اهالی شهر در صورت لزوم از امکانات پزشکی شهرهای دیگر بهره‌مند می‌شوند.

■ ارتباطات

علاوه بر امتیاز دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد و راه‌های متعدد دریایی، راه‌های زمینی زیادی این شهر را با شهرهای دیگر ایران و حتی کشور پاکستان متصل می‌سازد. راه زمینی



بندر چابهار به ننگور در سمت مشرق به بندر گواتر در خاک پاکستان ختم می‌شود. راه زمینی دیگری چابهار را به سمت شمال با شهرهای راسک، ایرانشهر، زاهدان و حتی از مسیر پیشین با شهر تاریخی کیچ (تربت کنونی) در خاک پاکستان وصل می‌کند. راه زمینی دیگری چابهار را از سمت مغرب با شهرهای نیکشهر، کنارک و بندر جاسک در استان هرمزگان متصل می‌کند. جاده ترانزیتی چابهار به میلک که از آن تحت عنوان محور توسعه شرق یاد می‌شود نزدیک‌ترین مسیری است که کشور افغانستان از طریق آن به آب‌های آزاد دسترسی پیدا می‌کند.

چابهار دارای باند فرودگاه است اهالی شهر چابهار از امکانات مخابراتی و ماهواره‌ای برخوردارند.

■ مراکز آیینی، مساجد، امامزاده‌ها و آثار تاریخی

ساختمان قدیمی تلگرافخانه انگلیس: ساختمان قدیمی تلگرافخانه چابهار که در خیابان مولوی قرار دارد در سال ۱۲۸۱ق به وسیله انگلیسی‌ها ساخته شده است. این بنا از قدیمی‌ترین ساختمان‌های سنگی موجود در شهر چابهار است که به منظور رونق دریانوردی، تجارت و ایجاد ارتباط با هند، گواتر، چابهار، جاسک، بندرعباس توسط مجریان خط تلگراف انگلیس در دو طبقه ساخته شده است. به مرور اداره پست شهر چابهار در این ساختمان مستقر می‌شود. رواق‌هایی هلالی دور تا دور این بنا مشاهده می‌شود که مختص مناطق گرمسیری است. استفاده از سنگ‌های رسوبی ماسه‌ای ساحلی از ویژگی‌های دیگر این بنا است.

آرامگاه سید غلام رسول: مقبره سید غلام‌رسول در شمال غربی چابهار با شماره ۳/۱۵۵۹ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. این مقبره با دیواره‌های سفید رنگ به سبک معماری هندی ساخته شده است. دروازه ورودی آن در ضلع غربی بنا واقع گردیده و پس از درب ورودی صحن بزرگ حیاط مشاهده می‌شود. بر پیشانی ورودی بنا تزئینات نقاشی الوان با طرح‌های نقوش ستاره‌های مشبک وجود دارد. نمای دور تا دور داخل ساختمان دارای نقاشی‌های جالبی بوده و نوشته‌هایی از قبیل لا اله الا الله، یا محمد، یا علی و غیره بر آن حک شده است. احتمالاً این اثر در روزگار سلجوقی احداث شده و در دوره صفویه نیز طرح‌های نقاشی با اصالت خاصی بر روی دیوارها تعبیه گردیده است.

مقابل آرامگاه صفحه‌ای به ارتفاع یک متر و چهار پله قرار دارد که بر روی آن مقبره واقع شده است. در قسمت شرقی صفحه آرامگاه (مقبره) یک پیشخوان باسقف تیرهای چوبی و

حصیری و چند ستون چوبی است که با پنج پله به حیاط متصل می‌شود. ساقه گنبد استوانه‌ای شکل و سقف گنبد از درون با گچ سفید شده است. در خصوص شرح حال سید غلام‌رسول روایات مختلفی وجود دارد. نام اصلی ایشان سیدنا محمد و مردی صالح، شیعه‌مذهب و از مسلمانان هند بوده است. ایشان به قصد ازدواج سفری به چابهار داشته اما در شب عروسی دچار کسالت می‌گردد به طوری که در بستر مرگ می‌افتد و به اطرافیان توصیه می‌کند پس از مرگ سوگواری نکنند و در عوض مدت ۱۰ شبانه‌روز بر سر قبر شادی کنند تا روح‌اش شاد شود. در زمان‌های گذشته این مراسم همه ساله از ۱۵ ذی القعدة به مدت ۱۰ روز انجام می‌گرفت. بعضی معتقدند این مزار از عارف وارسته‌ای به نام سید عبدالرسول بوده که زیارتگاه شیعیان چابهار است. بعضی دیگر عقیده دارند این مزار یک مطرب دوره‌گرد است که در شب عروسی فوت نموده و هر ساله معتقدین به او در سالروز مرگ‌اش با ساز و دهل و آوازخوانی به رقص و پایکوبی می‌پردازند. البته چون پیروان صاحب مزار شیعه مذهب هستند در ماه محرم نیز مراسم سوگواری و روضه‌خوانی در این مقبره بر پا می‌شود.

قدمگاه خضر: این مکان مقدس در جنوب غربی چابهار در محلی به نام سپوزه واقع شده است. خواجه خضر از مشایخ مورد احترام بومی‌های چابهار است. وی مقبره‌ای ندارد زیرا مردم بر این باورند که او زنده و پاسدار لنج‌ها و قایق‌هایشان است. در قدیم مراسم خاصی در این قدمگاه برپا می‌شد. اهالی محل حیوانات قربانی شده، خرما و حلوا به مکان مورد نظر می‌آوردند و در بین افراد تقسیم می‌کردند. ملاحانی که از کشتی پیاده می‌شدند آنجا شمع روشن می‌کردند و بسیاری از افراد جهت برآورده شدن آرزوهایشان با نذر و نیاز از او کمک می‌طلبیدند. مسجد میرمنّا، مسجد روستای گیتیگ و مسجد کلات داداله از مساجد قدیمی شهر چابهار هستند. در حال حاضر مسجد جامع چابهار با ۳۵۰۰ متر زیر بنا و معماری خاصی ساخته شده که از بزرگ‌ترین و زیباترین مساجد استان است.

■ دانشمندان، شاعران و نام‌آوران

از شعرای این شهر می‌توان از ملا نورمحمد پسند متوفی رمضان ۱۳۸۹ نام برد.

■ منابع

۵۰، ۶۵، ۲۱۲، ۲۲۵، ۲۹۰، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۷۲، ۴۹۸، ۵۲۴، ۵۵۴، ۵۷۱.



